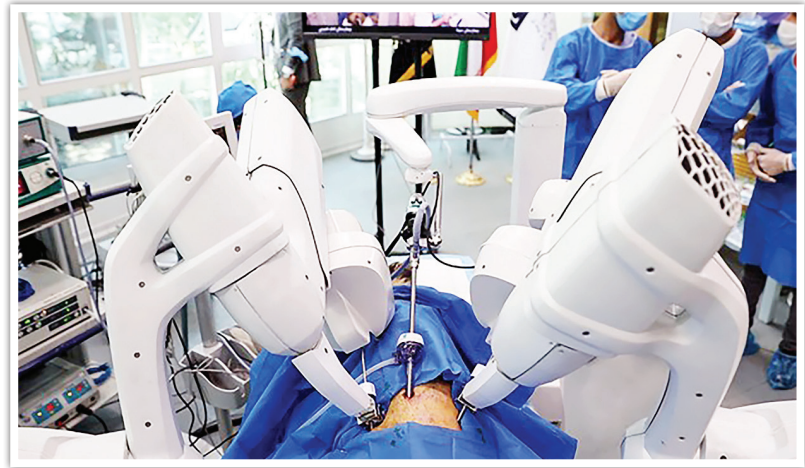


رؤیای به واقعیت پیوسته



دکتر
محمد نمازی

محقق



”

چهار سی سال بعد- الف؛ پسرمد مدیر یکی از بزرگترین کارخانه‌های ساخت خودروی خودران جهان در ایران است و به کشورهای مختلف جهان محصول صادر می‌کند. صنعت آنها صاحب صدها فناوری طراز اول در جهان است. آنها جدای از صادرات محصول، فناوری‌های مختلفی را به شرکت‌های بزرگ دنیا می‌فروشند

برزیلی و دور از دسترس ماست؛ در یکی از فناوری‌های مهم روز، به جایی رسیده که در مقالات و گزارش‌های مراکز معتبر علمی، به عنوان الگو از آن یاد می‌شود! همان‌هایی که روزی با خواندن موفقیت‌های علمی منتشر شده در دانشمند، دهانشان باز می‌ماند، دستگاه الکترونیسی یا ربات جراحی از راه دور سینا را تولید و صادر می‌کنند.

سی سال قبل، من و هم‌نسلی‌هایم با خواندن خبر موفقیت‌های علمی دیگران در دانشمند، دود از سرمان بلند می‌شد و می‌گفتم خوش به حالشان! حالا داریم به کشورهای موسوم به پیشرفته، فناوری می‌فروشیم؛ و من که روزی با پسرخاله‌هایم والیبالی‌باز- ایتالیایی را می‌دیدم و قدرت آنها را افسانه‌ای می‌پنداشتم، امروز با پسرمد بازی هم‌تراز و برتر والیبالیست‌های ایرانی با همان بزرگان را می‌بینم. سه، یکی دو سال قبل قرار شد در

یک، سالها قبل، اواخر دهه شصت، وقتی ۷-۸ ساله بودم، برخی شماره‌های مجله دانشمند که برادر بزرگترم خریده بود را ورق می‌زدم و عکس‌هایش را نگاه می‌کردم. زمانی که بیشترین چیزی که می‌دیدم و میشناختم پیکان بود، دیدن خودروهای آینده روی جلد « دانشمند» مرا سرشار از تخیل می‌کرد.

گاهی ظهرهای گرم تابستان، وقتی از کلاس تابستانی برمی‌گشتم و تلویزیون مثل حالا نبود که هر ساعتی کارتون داشته باشد! و هوا آنقدر گرم بود که نمی‌شد در حیاط بازی کرد، مجله دانشمندی که شاید یک سالی هم از انتشارش گذشته بود را در دست می‌گرفتم و خبری درباره ساخت یک کامپیوتر یا یک موفقیت فضایی را آنجا می‌خواندم. اختراعات و نوآوری‌هایی که آن روزها، «دانشمند» منتشر می‌کرد، برای من و هم‌نسلی‌هایم قابل دستیابی به نظر نمی‌رسید. ما خیالمان را هم نمی‌کردیم، روزی برسد که ما هم سری در بین سرها بلندکنیم.

همان‌طور که وقتی آن روزها می‌نشستیم و والیبالی‌باز- ایتالیایی را نگاه می‌کردیم، قدرت سرویس بازیکن برزیل و دریافت خوب ایتالیایی، چشممانمان را گرد می‌کرد و در عالم بچگی فکر می‌کردیم زور بازو و تاکتیک و تکنیک آنها از جایی می‌آید که ما را به آن راهی نیست! دو، سی سال بعد، ظهر یک روز، روی صندلی ستاد نانو نشسته‌ام و دارم برای «دانشمند» یادداشت می‌نویسم. «دانشمند» ی که قرار است به طور ویژه به پیشرفت ایران در علم و فناوری ایران بپردازد! همان ایرانی که سی سال قبل، بچه‌هایش که ما باشیم، تصور می‌کردیم موفقیت‌های علمی، مثل همان سرویس والیبالیست